

## جلوه های مینی مالیستی حکایت های تذکره الاولیا عطار

فاطمه جعفری کلیبر<sup>۱</sup>، شکوفه دارابی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> مدرس دانشگاه فرهنگیان تبریز (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان تبریز

### چکیده

کمینه‌گرایی در ادبیات جهان جنبش نوپدید است که با سرعت و شتاب قابل توجه، هواداران بسیاری یافته است. بارزترین ویژگی این ژانر ادبی، تأکید بر فشردگی و ایجاز در عین سادگی است. در ادبیات سنتی ایران، طرز بیان مبتنی بر اطناب یا ماکسی‌مالیسم رواج فراوان دارد، اما در کنار آن آثار ادبی ما مشحون از حکایت‌ها، داستان‌های کوتاه و داستانک‌ها است و بسیاری از نویسندگان و شاعران، اندرزه‌ها و تجربیات ارزنده خود را در حجم فشرده و در شکل‌های مختلفی چون کلمات قصار، ضرب‌المثل، لطیفه و حکایت‌های کوتاه اخلاقی و عرفانی در لابه‌لای متون فارسی ماندگار ساخته‌اند. پژوهش حاضر با توجه به اهمیت جریان مینی‌مالیسم، ضمن ذکر مهم‌ترین ویژگی‌ها و علل پیدایش آن، سعی دارد به شباهت‌های جنبش مینی‌مالیستی با ادب موجز سنتی فارسی بپردازد و چون فرم و ساختار بسیاری از حکایت‌ها و جملات کوتاه تذکره‌الاولیای عطار با ویژگی‌های جریان مینی‌مالیستی مدرن منطبق است، حکایت‌ها و داستانک‌های این اثر را از منظر مینی‌مالیسم واکاوی نماید.

**واژه‌های کلیدی:** تذکره الاولیا، مینی‌مالیسم، حکایت، ایجاز.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱. مقدمه

مینی‌مالیسم نام جنبش ادبی جدیدی است که طرفداران آن به سادگی و ایجاز بیش از حد قائل هستند. این شیوه بیشتر در داستان نمود یافته و در جوامع غربی و ادبیات معاصر با استقبال چشمگیری روبه‌رو است و دلیل آن را می‌توان شتابزدگی زندگانی امروزی دانست و پاسخی به خواسته‌های زندگی عصر مدرن است که رویکردی توأم با ایجاز و اختصار می‌طلبد. ظهور ژانر ادبی مینی‌مالیسم با اشکال مختلف آن در نوشتار (داستانک، پیامک، هایکو، کاریکلماتور و...) یک ضرورت منطقی و مورد انتظار در عصر ماشین و شتاب بوده است.

دانشنامه بریتانیکا واژه مینی‌مالیسم را این‌گونه تعریف می‌کند: «جنبشی که در اواخر دهه ۱۹۶۰ در عرصه هنرها به ویژه نقاشی و موسیقی در آمریکا پا گرفت و بارزترین مشخصه آن تأکید بر سادگی بیش از حد صورت و توجه به نگاه عینی و خشک بود. آنها در فشرده‌گی و ایجاز تا آنجا پیش می‌روند که فقط عناصر ضروری اثر، آن هم در کمترین و کوتاه‌ترین شکل باقی می‌ماند. به همین دلیل برهنگی واژگانی و کم‌حرفی از بارزترین ویژگی‌های آثار مینی‌مال محسوب می‌شود» (جزینی، ۱۳۷۸: ۳۵). مینی‌مالیست‌ها معتقدند صرفه‌جویی در کلام و کوتاه‌نویسی بر زیبایی و تأثیر سخن می‌افزاید و موجب کمال اثر هنری می‌گردد. در این شیوه نویسنده با خواننده‌ای فهیم سر و کار دارد که در روند داستان، انتظار دارد مخاطب با ذهن خلاق خود به استنتاج بپردازد و خود به جای مؤلف آزادانه اثر را دریابد.

پیشرفت روزافزون دانش بشری و سرعت شگفت‌انگیز تحولات تکنولوژی در جامعه امروز، ارتباطات کلامی و هنری را متحول ساخته است. در این شرایط صرفه‌جویی در زمان، راهی مقتصدانه برای بهره‌وری هرچه بیشتر از فرصت‌هاست تا مشتاقان ادبیات در مجال اندک، فراخور موقعیت از آن بهره‌ای کافی ببرند.

## ۱-۱- اسوالات پژوهش:

- مهم‌ترین ویژگی داستان‌های مینی‌مالیستی حکایات تذکره‌الاولیا کدامند؟
- این حکایات تا چه اندازه با خصوصیات مینی‌مالیسم وجه اشتراک دارند؟

## ۱-۲- پیشینه پژوهش:

در زمینه شیوه مینی‌مالیسم پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به اختصار اشاره می‌شود: جزینی (۱۳۷۸) به ویژگی‌ها و ریخت‌شناسی داستان‌ها و خطاهایی که در سبک مینی‌مالیستی روی داده، می‌پردازد. زینب صابرپور (۱۳۸۸) در مقاله «داستان کوتاه مینی‌مالیستی» به بررسی پیشینه مینی‌مالیسم پرداخته است. جهان‌دوست سبزی‌پور و فرزانه عبدالهی (۱۳۹۰) در مقاله «داستانک در حکایت‌های قابوس‌نامه و تطبیق آن با مینی‌مالیسم» ویژگی‌های کمینه‌گرایی را در چند حکایت این اثر بررسی کرده‌اند. مجید صالح بگ و سمیه السادات طباطبایی (۱۳۹۱) در مقاله «داستان مینی و حکایت طوق‌الحمامه» شباهت و تفاوت این دو را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. احمد رضی و سهیلا روستا (۱۳۸۸) در مقاله «کمینه‌گرایی در داستان‌نویسی معاصر» به عوامل و زمینه‌های گرایش به کمینه‌گرایی پرداخته‌اند. سید احمد پارسا (۱۳۸۵) در مقاله «بررسی حکایت‌های گلستان با داستان‌های مینی‌مالیستی» به بررسی جلوه‌های این سبک در حکایات سعدی پرداخته‌اند.

## ۱- مینی‌مالیسم

مینی‌مالیسم یا کمینه‌گویی جنبش ادبی \_ هنری تازه و بدیع و پرنفوذی در ادبیات اروپاست که با خصیصه کاهش مفرد محتوای اثر و سپردن قضاوت سرنوشت داستان به مخاطب و خواننده، لذت متن را مضاعف می‌کند. در این شیوه نویسنده انتظار دارد مخاطب با ذهن خلاق خود به استنتاج بپردازد و اصطلاح «مرگ مؤلف» برآمده از همین طرز تلقی در داستان -

پردازی مینی‌مالیستی است. «رولان بارت منتقد فرانسوی عقیده دارد که مؤلف نباید به عنوان دانای کل، حضوری مسلط در اثر ادبی داشته باشد، بلکه خواننده به جای مؤلف، مهم‌ترین منشأ قدرت است، به عبارت دیگر تولد خواننده به مرگ مؤلف ختم می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۲۷۳). در واقع می‌توان گفت پیدایش مینی‌مالیسم در تمام زمینه‌های هنر، نشانگر مخاطب‌مداری هنرمند است.

«مینی‌مالیسم اساس آثار و بیان خود را بر پایه فشردگی، ایجاز بیش از حد محتوا، سادگی بیان و خالی‌بودن سخن از هرگونه پیچیدگی نهاده است» (پارسا: ۱۳۸۵: ۲۸) و هر اثری که دارای این ویژگی‌ها باشد، اثر مینی‌مال محسوب می‌شود. مینی‌مالیست‌ها ضمن وفاداری به قوانین و فنون داستان‌نویسی و حفظ اصول ساختاری و فنی داستان، در نهایت ایجاز و سادگی، داستان‌هایی کوتاه و تأثیرگذار خلق می‌کنند و از تکنیک‌هایی نظیر تم جذاب، وحدت موضوع و شخصیت، مقدمه‌گریزی، استفاده از عنصر نقل قول و گفتگو، بیان داستان در زمان حال، به کار بستن حداقل عناصر داستانی و ... بهره می‌برند. «برخی منتقدان، مینی‌مالیسم را به اشتباه به مکاتب غربی نسبت می‌دهند، اما مینی‌مال ریشه در ادبیات داستانی کلاسیک ایران دارد» (سجادی، ۱۳۸۷: ۱۶).

گرایش به کوتاه‌سخنی، کاستن اضافات که از مشخصه‌های بارز جنبش مینی‌مالیستی است، در داستان کوتاه، حکایت، لطیفه، کلمات قصار، حکمت و ضرب‌المثل، مجال ظهور یافته‌اند و «در ادبیات کهن فارسی بسیاری از حکایت‌ها و قصه‌ها به لحاظ ساختاری با الگوهای امروز داستان کوتاه و مینی‌مال برابری می‌کند و به لحاظ فنی با ساختار داستان‌های مینی‌مالیستی نزدیکی‌های غیر قابل انکاری دارد» (جزینی: ۱۳۷۸: ۳۵). گرچه در طول تاریخ ادبیات فارسی، بیان ایجازی و اطنابی به موازات هم طرفدارانی داشته است، داستان‌های مینی‌مال مدرن، باواژه‌های کوتاه و فاقد پیشوند و پسوند و جملات بسیار کم‌حجم و فشرده، شباهت نزدیکی با حکایات کهن دارند (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۶۰) البته کمینه‌گویی تنها محدود به ادبیات داستانی نبوده در نظم و حکمت و پند و کلمات قصار ادبیات کلاسیک فارسی نمود یافته است.

موضوع و محتوای تذکره‌الاولیای عطار، اعتقادات و نحوه زندگی و سرگذشت اولیا و مشایخ صوفیه است که با نثری ساده سخنان، نصایح و ویژگی‌های اخلاقی این عارفان را به نگارش درآورده و داستان‌هایی را از آنها روایت کرده است. این اثر از گنجینه‌های فاخر و عظیم ادبیات داستانی و عرفانی است. نبوغ در خور تحسین عطار، این اندیشمند بی‌بدیل و ژرف‌نگری او در روح آدمی اعجاب‌آور و شگفت‌انگیز است. در سراسر کتاب به حکایت‌های کوتاه و داستان‌واره‌های شیرینی بر می‌خوریم که در آنها موضوع اصلی به شکل پرسش، جدال، مناظره و یا بیان مشکل طرح می‌شود که از شگردهای خاص عطار در داستان‌پردازی است.

به سبب وجود ایجاز در کلام و روایت که ویژگی بارز داستان‌های تذکره‌الاولیا است این اثر نیز در حوزه ادب مینی‌مالیستی، قابل تحلیل و بررسی است. عطار در حکایت‌های صوفیانه و عارفانه خویش، بر ارزش و اهمیت کلام کوتاه و موجز واقف بوده و بر آن تأکید داشت و به حکمت و تأثیر جادویی «خیر الکلام ما قل و دل» آگاه بوده و بدان جامعه عمل پوشانده است. لذا نگاهی تازه و امروزی به اثر عطار، ارزش و اعتبار افکار و اندیشه‌های وی را برجسته‌تر می‌کند.

## ۲- ویژگی‌های داستان‌های مینی‌مالیسم در تذکره‌الاولیا

معیار شناخت داستانک‌های کهن فارسی و مینی‌مال امروز، چندان اثبات‌شده و مشخص نیست، اما اغلب این آثار، ویژگی‌های مشترکی دارند که از جمع‌بندی شاخصه‌های پربسامد، می‌توان تا حدودی ساختارهای مشترک آنها را تعیین کرد و به برجسته‌ترین عناصر داستانی شیوه مینی‌مالیستی و حکایت‌های سنتی پی برد.

## ۱-۳ ایجاز و اختصار:

بارزترین و اصلی‌ترین ویژگی داستان مینی‌مال، حجم آن است که در آن همه عناصر داستان در حداقل خود به کار گرفته می‌شود و انتقال مفهوم داستان در فضایی محدود، بدون مقدمه و فضا سازی اولیه صورت می‌گیرد که خود مستلزم مهارت و ابتکار عمل نویسنده است. هدف اصلی حکایت پردازان عرفانی و صوفیانه، تبیین و ترویج باورها و اندیشه‌های عرفانی بوده که حکایت‌نویسی را ابزار این‌هدف قرار داده‌اند. بنابراین ایجاز و اختصار و حذف بخش‌های غیرضروری در حکایت امری رایج بوده است. برخی از این حکایت‌ها به قدری کوتاه‌اند که شبه‌حکایت خوانده می‌شوند.

ملازمت ایجاز و فشردگی در کلام، اندیشه‌ای والا و دانشی ژرف می‌طلبد و عطار در تذکره الاولیا با دنبال کردن سادگی و اختصار، همه عناصر داستان را در حداقل شکل خود به کار گرفته است. ایجاز و اختصار در تذکره الاولیا از توانمندی ذهن او نشأت می‌گیرد و کلامش این قدرت را دارد که با تعبیری بسیار گویا، فکر خواننده را به تلاش وادارد:

نقل است که مالک وقتی در سایه درختی خفته بود، ماری آمده بود و یک شاخ نرگس در دهان گرفته، او را باد می‌زد. (عطار، ۱۳۸۲، ۴۳)

در حکایات عطار فشردگی و کوتاه‌نویسی در درجه اول اهمیت قرار دارند و این فشردگی تا آنجا پیش می‌رود که فقط عناصر ضروری اثر در کوتاه‌ترین شکل ممکن مورد استفاده قرار می‌گیرند:

محمد بن واسع را پرسیدند: چگونه‌ای؟ گفت: چگونه باشد حال آنکه عمرش می‌کاهد و گنااهش می‌افزاید؟! (همان: ۵۰)

شاخصه‌ی اصلی و بارز کوتاه‌نویسی سبب خلق حکایات کوتاه و تأثیرگذاری در این اثر شده است:

از ذوالنون مصری نقل است که گفت: هرگز آب و نان سیر نخوردم تا نه معصیتی کردم خدای را، نه قصد معصیتی در من پدید آمد. (همان: ۱۲۷)

اندیشه‌های عرفانی عطار در نهایت ایجاز و به صورت پند و اندرزهای کوتاه ارائه شده‌اند و انگار خود نویسنده بر ایجاز و کم-حجمی حکایاتش تعمد دارد که با روح عرفانی غالب در اثرش مطابقت دارد:

علی بن سهل گفت: توانگری التماس کردم، در علم یافتم؛ فخر خواستم، در فقر یافتم؛ عافیت التماس کردم، در زهد یافتم؛ قلت حساب التماس کردم، در خاموشی یافتم؛ راحت التماس کردم، در ناامیدی یافتم. (همان: ۴۷۶)

## ۲-۳ داشتن طرح ساده:

دیگر خصیصه مهم داستان‌های مینی‌مالیستی، طرح ساده آنها و تمرکز روی یک حادثه اصلی است. به دلیل کوتاهی حجم روایت داستان و ایجاز بیش از حد، مجال هرگونه پیچیدگی طرح در این‌گونه داستان‌ها سلب می‌شود. بنابراین توانمندی نویسنده این‌گونه داستان‌ها در انتخاب سوژه ناب و الهام‌گیری از متن زندگی است. در طرح این داستان‌ها انتخاب لحظه وقوع حادثه مهم است، چون هر برشی نمی‌تواند تمامی اطلاعات طرح را منتقل کند. (جزینی، ۱۳۷۸: ۳۹).

با تأمل در حکایات تذکره الاولیا به وضوح این ویژگی مشهود است و سخن عطار درباره امور عادی و تجربه‌های ساده روزمره است و در آن از کلمات و قواعد دستور پیچیده و بلندنویسی اجتناب شده است:

نقل است که رابعه عدویه را به خواب دیدند. گفتند: حال گوی از نکیر و منکر. گفت: چون آن جوان مردان درآمدند و گفتند: مَنْ رَبِّک؟ گفتم: بازگردید و حق را گوید که با چندین هزار خلق، پیرزنی را فراموش نکردی؛ من که از همه جهان تو را دارم، هرگز فراموش نکنم تا کسی را فرستی که خدای تو کیست؟ (عطار، ۱۳۸۲: ۷۵)

چون داستان‌های تذکره الاولیا کوتاه هستند، مجال برای طرح پیچیده ندارند و با حداقل توضیح و توصیف خواننده احساس می‌کند حوادث پیش رویش رخ می‌دهند:

نقل است که وقتی عبدالله مبارک با بدخویی همراه شد و چون از وی جدا شد، عبدالله بگریست. گفتند: چرا می‌گریی؟ گفت: آن بیچاره برفت و آن خوی بد همچنان با وی. (همان: ۱۸۴)

تأکید عطار بر سادگی و خالی بودن سخن از هرگونه پیچیدگی سبب شده حکایات تذکره الاولیا به نوعی تفسیر نویسنده از واقعیت باشد که در کوتاهترین شکل ممکن ارائه شده است:

نقل است که یکی پیش داوود طایبی بود و بسیار در وی می‌نگریست. گفت: ندانی که چنان که بسیار گفتن کراهیت دارد، بسیار نگریستن هم کراهیت دارد؟ (همان: ۲۳۱)

### ۳-۳ واقع‌گرایی:

داستان‌های مینی‌مالیستی به سبب ایجاز مفرط، رئالیستی و واقع‌گرا بوده و از هرگونه تخیل‌پردازی و صنعت‌های ادبی خالی هستند. «در واقع وظیفه ادبیات دگرگون جلوه‌دادن شخصیت انسانی و یا واقعیت زندگی و نشان‌دادن زندگی بشر در وضعیتی ایده‌آل و غیر واقعی نیست. وظیفه ادبیات و هنر صداقت در به تصویر کشیدن سرنوشت‌های پیدا و پنهان انسان‌ها و صداقت در به تصویر کشیدن اهدافی است که شایسته است دنیای انسان‌ها بدان آراسته باشد» (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۱۹۹). در داستانک‌های تذکره الاولیا، گاه آرایه‌های ادبی در حد اعتدال به چشم می‌خورد، اما تأکید اصلی این کتاب بر عرضه واقعیت‌هاست. این حکایات توجه خواننده را به عادی‌ترین مسائل زندگی جلب می‌کنند و مسائل عینی را که برای خواننده عادی است، منعکس می‌نمایند و در آنها معمولاً خیال‌پردازی‌های اغراق‌آمیز وجود ندارد:

سفیان ثوری گفت: سبحان آن خدایی که می‌کشد ما را و مال می‌ستاند و ما او را دوست‌تر می‌داریم. (عطار، ۱۳۸۲: ۱۹۸)

درون‌مایه حکایات این اثر گرانیامیه، برجسته‌نمودن رفتارهای واقعی و در عین حال درست و خیرخواهانه است که موجبات تکامل افراد و تقویت عادات و رفتارهای اجتماعی را فراهم می‌آورد.

نقل است که پیری پیش شقیق آمد و گفت: گناه بسیار کرده‌ام و می‌خواهم توبه کنم. گفت: دیرآمدی. گفت: زود آمدم. گفت: چگونه؟ گفت: هر که پیش از مرگ آید، زود آمده باشد. گفت: نیک آمدی و نیک گفتی. (همان: ۲۰۵)

### ۳-۴ واقع‌گرایی جادویی در تذکره الاولیا:

در ادبیات عرفانی نقل حکایت‌هایی به شیوه رمزی و رؤیایی و خواب‌گونه رواج داشته و بن‌مایه نویسنده، اعتقادات و مشاهدات و تجربه‌های عارف بوده است. این حوادث فقط بر عارفان و بندگان مقرب خدا رخ می‌دهد و عارف به مدد تزکیه نفس درجاتی از واقعیت و نکته‌هایی از عالم غیب را درک می‌کند که به صورت رمزی از طریق فرشته یا الهام غیبی بر او روشن می‌شود و گاهی نیز در خواب بر عارف مکشوف می‌گردد. بهترین نمونه رئالیسم جادویی در ادبیات عرفانی متن تذکره‌ها به‌ویژه تذکره الاولیای عطار نیشابوری است. این‌گونه آثار و حکایات جادویی و باورنکردنی درباره افراد واقعی، در زمان‌ها و مکان‌های واقعی رخ می‌دهد و سعی نویسنده بر آن است که آنها را واقعی جلوه دهد و انتظار دارد خواننده آنها را واقعی بپندارد.

یکی بایزید را گفت: من در طبرستان به جنازه فلان کس تو را دیدم، دست در دست خضر گرفته. چون نماز جنازه گزاردند، تو را دیدند که در هوا رفتی. شیخ گفت: راست گفتی. (همان: ۱۵۳)

### ۳-۵ داشتن زبانی ساده:

داستان‌های مینی‌مالیستی زبانی ساده و شفاف دارند؛ زبانی بی‌آلایش که هرلفظی تنها بر معنای حقیقی خویش دلالت دارد و وسیله تصویرسازی و انتقال صریح اندیشه است. نویسندگان بزرگ کلاسیک در شاهکارهای نثر فارسی با زبانی فاخر و پخته و در عین حال ساده، به بیان احساسات و انتقال پیام مبادرت می‌ورزیدند. زبان حکایت‌های عطار نیز ساده و شیرین است. او

داستان‌های برجای مانده از زندگی صوفیان و عارفان را که اغلب بیانگر واقعیت‌های زندگی آنان بود، به زبانی ساده بیان می‌کرد و این حکایت‌ها را با تخیلی معقول و حوادث کم‌رنگ فراطبیعی، پذیرا و دلنشین می‌نمود:

گفت: نقل است که یکی پیش حاتم شد و گفت: مالی بسیار دارم، خواهم تو را و یاران تو را نصیب کنم. حاتم گفت: ترسم چون بمیری، مرا باید گفت: ای روزی‌دهنده آسمان! روزی‌دهنده زمین مرد. (همان: ۲۵۷)

عطار با برگزیدن زبانی ساده در عرصه‌ای محدود، به بیان مفاهیم بزرگ و نامحدودی می‌پرداخت و تصاویری زیبا و افکاری بلند را مطرح می‌نمود:

نقل است که روزی یحیی بن معاذ به منبر برآمد و چهارهزار مرد بودند. بنگریست نیکو و از منبر فرود آمد و گفت: برای ما آن - کس که به منبر آمدیم، نبود. (همان: ۳۱۶)

### ۶-۳ تکیه بر گفتگو:

داستان‌های مینی‌مالیستی در قالب گفتگو پیش می‌رود و گفت‌وگو بیشترین کارکرد را در آثار مینی‌مالیستی دارد. «برجستگی برخی عناصر داستانی، از کارکرد تأثیرگذار آنها در فضای داستان نشأت می‌گیرد و ایجاز غالب بر این داستان‌ها، ناگزیر به کاهش مفرط عناصر داستان می‌انجامد. بنا بر همین ویژگی، عناصر گفتگو، تلخیص و روایت بیشترین کاربرد را دارد، چرا که این سه عنصر، سرعت بیشتری در انتقال اطلاعات داستانی بر عهده می‌گیرد» (جزینی، ۱۳۷۸: ۳۹)

حکایت‌های تذکره الاولیا با بهره‌گیری از عنصر گفتگو در کوتاه‌ترین شکل با ایجاز و فشردگی مفرط و زبانی هنرمندانه برجسته - سازی شده است.

گاهی حکایتی در حد گفتگوی کوتاه میان بزرگان تصوف و حق‌جویان (مرید و مراد) شکل داستان می‌یابد: ذوالنون در بیماری مرگ افتاد. گفتند: چه آرزو داری؟ گفت: آن که پیش از آن که بمیرم، او را بدانم. (عطار، ۱۳۸۲: ۱۳۶)

فضای حکایات تذکره الاولیا بر پایه گفتگوهای کوتاه بین شخصیت‌ها شکل گرفته است و خواننده از طریق لحن گفتاری آنان با احساسات و افکار آنان درگیر می‌شود و این عنصر در روشن نمودن تم و موضوع داستان کمک شایانی می‌نماید: یکی از او پرسید: به زبان ذکر می‌گویم و دل با آن یار نمی‌گردد. گفت: شکر کن که یک‌عضو باری مطیع شد؛ باشد که دل نیز موافقت کند. (همان: ۴۱۷)

### ۷-۳ داشتن تم جذاب:

داشتن قصهٔ پرجاذبه در ساختار داستان‌های مینی‌مال اهمیت زیادی دارد. روایت ماجرابی جالب توجه که ذهن خواننده را برای شنیدن و دنبال کردن موضوع تحریک کند و انگیزه‌ای برای پیگیری آن باشد. داستان مینی‌مال، دغدغه‌های انسان را به تصویر می‌کشد و بیم از ناپایداری زندگی، حوادث تلخ، بیماری و مرگ نابهنگام، در حجم اندک این ژانر ادبی می‌گنجد و حس شورانگیزی را به خواننده منتقل می‌کند و تأثیر نوشته را افزون می‌سازد.

نقل است که ابراهیم ادهم چندین حج پیاده کرد، از چاه زمزم آب نکشید که دلو آن از مال سلطان خریده بودند. (همان: ۹۸)

طرح ایده‌های کوتاه و جذاب، به اقتضای ساختار این‌گونه داستان‌ها، سبب تأثیرگذاری بیشتر آنها شده و بار عاطفی و احساسی قوی‌تری را انتقال می‌دهد:

نقل است که از خانهٔ بایزید تا مسجد چهل گام بود. هرگز در راه آب دهان نینداخت حرمت مسجد را. (همان: ۱۴۰)

## ۸-۳ شخصیت محدود و اندک:

داستان‌های مینی‌مالیستی شخصیت‌های کمی دارد و اغلب شخصیت‌ها از میان مردم عادی و انسان‌های تنها گزینش می‌شود و فقط یک‌برش کوتاه و لحظه‌خاص از زندگی او را به تصویر می‌کشد و در حساس‌ترین لحظه وقوع حادثه، مخاطب را به درون معرکه می‌کشد و در رخداد ماجرا به تماشا می‌نشانند. (جزینی، ۱۳۷۸: ۳۹) در حکایت‌های عطار گرچه پردازش شخصیت‌ها به معنای امروزی دیده نمی‌شود، اما آنها برداشتی کوتاه و برگزیده از شخصیت‌ها هستند. نقل است که گفت: مردی پیشم آمد و پرسید: کجا می‌روی؟ گفتم: به حج. گفت: چه داری؟ گفتم: دویست درم. گفت: به من ده وهفت بارگرد من بگرد که حج تو این است؛ چنان کردم و بازگشتم. (عطار، ۱۳۸۲: ۱۴۳)

## ۹-۳ زمان و مکان محدود:

داستان‌های مینی‌مال زمان و مکان محدود دارند، طوری که زمان رویداد بسیار کوتاه و تغییرات مکانی بسیار ناچیز است. زمان و مکان در حکایت‌های کهن، فرضی و مبهم است و غالب رویدادها در بی‌زمانی و بی‌مکانی اتفاق می‌افتد. چون در حکایت‌ها تأکید بر کوتاهی و ایجاز است، از این رو زمان و مکان رخدادها در هاله‌ای از ابهام است. عطار نیز با دقیقه‌های ایجاز آشنا بوده و با نگاهی سرشار از آگاهی لحظه‌ها را در می‌یابد و با رهایی و بیرون‌آمدن از زمان و مکان و با درک لحظه‌ها، درخورترین تصویرها را به دست می‌دهد.

مالک دینار گفت: اگر کسی در مسجدی ندا کند که بدترین شما کیست، بیرون آید؛ هیچ‌کس بیرون نرود مگر من. وقتی زنی گفت: ای مرائی! مالک جواب داد: بیست‌سال است کسی مرا به نام نخوانده است، تو نیک دانستی من کیم. (همان: ۴۷) اغلب این حکایت‌ها در زمانی کمتر از یک روز، چندساعت و گاهی چندلحظه اتفاق می‌افتند و چون تعداد وقایع در آنها اندک است معمولاً تمرکز بر واقعه اصلی است: روزی جنید در جامع، مجلس گفت. غلامی ترسا درآمد، چنان‌که کس ندانست که او ترساست و گفت: بپرهیزید از فراست مومن که او به نور خدا می‌نگرد. جنید گفت: قول آن است که مسلمان شوی و زنا بری که وقت مسلمانی است. در حال مسلمان شد. (همان: ۳۶۹)

## ۱۰-۳ گزین‌گویه‌ها:

جملات برگزیده و کلمات قصار فارسی، سخنان حکمت‌آمیزی هستند که عصاره و تجربه سال‌ها دانش‌اندوزی و کسب کمالات اندیشمندان هستند. در ادبیات برخی ملل این‌گونه جملات به‌گزین‌گویه‌ها معروف هستند. در حکایات عطار گرچه پردازش شخصیت به معنای امروزی دیده نمی‌شود، اما گفتگو عنصر فعالی است که شخصیت‌پردازی را تقویت می‌کند: مالک دینار گفت: دوستی اهل زمانه را چون خوردنی بازار یافتم به رنگ نیکو، به طعم ناخوش. (همان: ۴۷) گفت: در دنیا شروع کردن آسان است، بیرون آمدن و خلاص یافتن دشوار. (همان: ۸۳) - این سخنان با زبانی صیقل‌خورده و رسا تکیه بر نقل روایت از زبان راوی دارند: گفت: صحت تن در اندک‌خوردن است، صحت روح در اندکی گناه. (همان: ۱۲۷) - شخصیت‌ها در این حکایات کوتاه حرف می‌زنند و این گفتگوها سبب بازنمایی و پرداخت فضای فکری و روحی آنان می‌گردد:

گفت: هر که پنددهنده‌ای خواهد، گو در اختلاف شب و روز نگر. (همان: ۲۶۱)

گفت: مرد نه آن است که از پی چیزی رود؛ مرد آن است که هر جا باشد، هر چه خواهد پیش او آید. (همان: ۱۶۴)

- این جملات با استفاده از زبان بی‌پیرایه و شفاف تصویرآفرینی می‌کنند و در آنها معمولاً از زبان حال استفاده می‌شود:

گفت: حیا باز بودن است از جمله خوی‌های بد که خداوند بدان راضی نبود. (همان: ۲۳۶)

گفت: اهل دنیا متاع دنیا دوست می‌دارند و من ذکر خدای و قرآن خواندن دوست می‌دارم. (همان: ۶۷۱)

- بسیاری از این جملات بدون ترفندهای هنری همچون آینه‌ای بازتاب‌دهنده وقایع زندگی هستند:

گفت: علامت شوق، دوست داشتن مرگ است در حال راحت. (همان: ۶۸۲)

### ۳- نتیجه

توجه به کوتاه‌نویسی و ایجاز از قرن‌ها پیش در ایران رواج داشته است. این خصیصه، در ادبیات معاصر بنا به شرایط زندگی از ملزومات شمرده می‌شود که از نتایج همگام‌شدن هنر و ادبیات با جلوه‌های مختلف گسترش مدرنیته و دستاوردهای گوناگون آن است. در این میان حکایات کهن و داستانک‌های تذکره الاولیا از لحاظ ساختار شباهت‌های غیر قابل انکاری با داستان‌ریزه‌های مینی‌مالیستی غرب دارند.

از ویژگی‌های شاخص تذکره الاولیا ایجاز و اختصار و کمینه‌گویی است. حکایت‌های کوتاه و مینی‌مال در این اثر با داستانک‌های ژانر ادبی مینی‌مالیسم مطرح در ادبیات غرب از بسیاری جهات شباهت و انطباق نزدیک دارد. جملات کوتاه و پرمغز مذکور در هرفصل نیز با گزین‌گویی‌های نوین که از جلوه‌های ادب مینی‌مالیستی است، قابل مقایسه است. موجزگویی در این‌گونه آثار، از مهم‌بودن زمان حکایت دارد. در نزد صوفیه، وقت بسیار ارزشمند است و صوفی را این وقت نامیده‌اند.

### فهرست منابع و مآخذ

۱. پارسا، سید احمد (۱۳۸۵). مینی‌مالیسم و ادب فارسی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۰
۲. پارسی‌نژاد، کامران (۱۳۸۱). سخنی کوتاه درباره مینی‌مالیسم. ادبیات داستانی. شماره ۶۱
۳. جزینی، محمد جواد (۱۳۹۰). ریخت‌شناسی داستان‌های مینی‌مالیستی. کارنامه. دوره اول. شماره ششم. صص ۴۳-۳۴.
۴. عطار، فریدالدین (۱۳۸۲). تذکره الاولیا. تهران: انتشارات مرکزی
۵. میر صادقی، جمال (۱۳۶۶). ادبیات داستانی. تهران: انتشارات شفا.
۶. میر صادقی، میمنت (۱۳۸۸). واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی. تهران: کتاب مهنار.